

خبر

برگزاری مراسم گرامیداشت ۴ شهید خانواده رهبر شهید انقلاب



با گذشت سه ماه از حمله دشمن آمریکایی-صهیونیستی به بیت رهبری، اولین مراسم عمومی برای چهار شهید خانواده رهبر شهید انقلاب، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در مصلاي حرم حضرت عبدالعظیم (ع)نی برگزار شد. این مراسم از سوی خانواده رهبر معظم انقلاب اسلامی برای گرامیداشت شهیده زهرا حدادعادل، شهیده سیده بشری حسینی‌خامنه‌ای، شهید مصباح‌الهدی باقری و شهیده زهرا محمدی‌گلپایگانی با حضور جمعی از مسئولین و آحاد مردم برگزار شد.

مراسم ترحیم و یادبود خانواده رهبر شهید انقلاب اسلامی در روز پنجشنبه و جمعه با حضور مسئولین لشکری و کشوری و اقشار مختلف مردم با تلاوت قرآن توسط استاد حامد شاکرزاد، سخنرانی حجت‌الاسلام پناهیان و مداحی حاج محمود کریمی، حاج محمدرضا طاهری و حاج حسین برگزار شد.

در این مراسم، دلنوشته‌ای از محمدباقر حسینی‌خامنه‌ای، فرزند رهبر معظم انقلاب اسلامی برای مادر شهیدش خانم زهرا حدادعادل (توسط یکی از هم‌کلاسی‌های او) قرائت شد. حجت‌الاسلام کاشانی هم در مراسم یادبود شهدای خانواده امام شهید و رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنانی گفت: در جنگ احد کسانی که در میدان ماندند پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین بودند، در خبیر نیز همین اتفاق افتاد؛ وقتی پیامبر اکرم می‌خواست به سراغ یهود خبیر برود، دو روز اول پیامبر دو نفر از مسلمانین را فرمانده کرد که به سمت قلعه خبیر بروند. او افزود: پیامبر اکرم به امیرالمؤمنین فرموده بودند می‌خواهم در روز قیامت در بهشت علم‌دار مسلمانان باشی؛ او فرماندهی که پیامبر به خبیر فرستادند، فرار کردند و پیامبر فرمود فردا پرچم را دست کسی می‌دهم که از جنگ فرار نمی‌کند. حجت‌الاسلام کاشانی همچنین در ادامه گفت: منزل شهید مصباح‌الهدی باقری از خانه خیلی از ما ساده‌تر بود؛ ایشان می‌فرمودند من مرید رهبر انقلاب (حجت‌الاسلام مجتبی خامنه‌ای) هستم. غلامعلی حدادعادل، پدر همسر رهبر انقلاب، هم در گفت‌وگویی در حاشیه مراسم بزرگداشت خانواده امام شهید از نگرانی مهم رهبر معظم انقلاب گفت. رهبر شهید انقلاب گفت: رهبر انقلاب نگران هستند بعضی‌ها قدر حضور مردم را ندانند و دعواهای جناحی را به اجتماعات مردمی بکشانند.

فریدالدین حدادعادل، برادر همسر شهید رهبر انقلاب، هم در حاشیه این مراسم گفت: استقبال کشوری که اکنون شاهدش هستیم و پرشدن بیش از اندازه همه حرم، نشان دهنده علاقه مردم به ولایت و شخص رهبر انقلاب است. این شهدا روز ۹ اسفند ۱۴۰۴ در میدان امام شهید در حمله جنایتکارانه دشمن آمریکایی-صهیونی به شهادت رسیدند.

شهیده زهرا حدادعادل، فرزند دکتر غلامعلی حدادعادل و همسر آیت‌الله سیدمجتبی حسینی‌خامنه‌ای، رهبر کنونی انقلاب بود که در دبیرستان فرهنگ به شغل معلمی اشتغال داشت. شهیده سیده بشری حسینی‌خامنه‌ای، فرزند پنجم و دختر بزرگ‌تر رهبر شهید انقلاب بود که به همراه فرزند خردسالش، زهرا محمدی‌گلپایگانی به شهادت رسید. این شهید نیز در کنار همسر برادرش، در دبیرستان فرهنگ فعال بود. او عروس حجت‌الاسلام محمد گلپایگانی، رئیس دفتر رهبر شهید بود.

شهید مصباح‌الهدی باقری نیز استاد دانشگاه امام صادق (ع)، فرزند آیت‌الله باقری‌کنی و همسر خانم سیده هدی خامنه‌ای، آخرین فرزند رهبر شهید انقلاب بود که در کنار دیگر شهدای حمله ۹ اسفند به بیت رهبری به شهادت رسید. به گزارش ایرنا، در روزهای ابتدایی جنگ شایعاتی درباره شهادت خانم منصوره خجسته، همسر رهبر شهید انقلاب نیز منتشر شد، اما بعداً مشخص شد ایشان در حمله روز اول جنگ آسیب جدی ندیده‌اند.

پیش از این دو مراسم در بزرگداشت شهیدان زهرا حدادعادل و سیده بشری خامنه‌ای در مسجد امام صادق(ع) و فرهنگسرای اندیشه برگزار شده بود.

این مراسم با حضور چهره‌هایی چون اعضای کابینه چهاردهم و سیزدهم، مسئولان لشکری و کشوری و مداحان اهل بیت همراه با حضور گسترده خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران برگزار شد.

آخرین وضعیت طرح مجلس برای مدیریت ایران بر تنگه هرمز

عضو هیئت‌رئیس‌ه مجلس شورای اسلامی گفت به‌زودی طرح اعمال مدیریت و حاکمیت ایران بر تنگه هرمز در مجلس تصویب و قانونی خواهد شد. علیرضا سلیمی در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به آخرین وضعیت طرح مجلس برای مدیریت و حکمرانی ایران بر تنگه هرمز اظهار کرد: طرح اعمال مدیریت و حاکمیت ایران بر تنگه هرمز به‌زودی در مجلس تصویب می‌شود و ان‌شاءالله به‌صورت یک قانون دائمی به تصویب خواهد رسید. این موضوع تصمیم قطعی مجلس است و به‌زودی نهایی خواهد شد. در حال حاضر نیز جشک‌کاری‌های نهایی و گفت‌وگوهای لازم درباره آن در حال انجام است.

فقط ایران و عمان می‌توانند درباره نحوه مدیریت تنگه هرمز تصمیم‌گیری کنند

نماینده تهران در مجلس تأکید کرد: کل تنگه هرمز در آب‌های سرزمینی ایران و عمان قرار دارد و حتی نقطه‌ای از آن در آب‌های آزاد نیست، بنابراین فقط ایران و عمان می‌توانند درباره نحوه مدیریت آن تصمیم‌گیری کنند و هیچ کشور دیگری حتی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، در این زمینه حقی ندارند.

او افزود: در حال حاضر مدیریت تنگه هرمز دست جمهوری اسلامی ایران است و کشتی‌ها با اذن و اجازه ایران و طبق مسیری که ایران تعیین کرده و اجازه می‌دهد، از تنگه عبور می‌کنند. پس هیچ کشور دیگری نمی‌تواند اعمال مدیریت و تحکم کند، چون تنگه برای ماست؛ به آنهایی که می‌گویند باید تنگه باز شود، می‌گوئیم «فضولی موقوف!».

موافقت اولیه عمان درباره تنگه هرمز

سلیمی درباره جزئیات طرح مربوط به تنگه هرمز گفت: بررسی‌های مفصلی درباره این طرح صورت گرفته و نظرات دستگاه‌های مختلف از جمله بخش‌های اقتصادی، حمل‌ونقل، امنیتی و سایر نهادهای مرتبط اخذ شده است. همچنین گفت‌وگوهایی با کشور عمان صورت گرفته و طرف عمانی نیز موافقت‌های اولیه خود را اعلام کرده و ان‌شاءالله به‌زودی این طرح نهایی می‌شود.

او در پایان خاطرنشان کرد: تنگه هرمز برای جمهوری اسلامی ایران از دهه‌ها بمب هسته‌ای مهم‌تر و ارزشمندتر است و به‌هیچ‌وجه اعمال مدیریت بر تنگه هرمز قابل معامله نبوده، نیست و نخواهد بود. این ظرفیت و سرمایه بالقوه ایران در جنگ رمضان تبدیل به سرمایه بالفعل شده و ما از این سرمایه در چارچوب منافع ملی بهره خواهیم برد.

عبدالرحمن فتح‌الهی: جنگ‌های ۱۲ و ۴۰روزه نشان داد

جامعه ایرانی در مواجهه با تهدیدهای بزرگ، توانایی کم‌نظیری برای هم‌گرایی و دفاع از منافع ملی دارد. اما هم‌زمان تجربه‌های تلخ گذشته، نظیر آنچه در دی‌ماه سال گذشته روی داد، یادآور این واقعیت است که انسجام ملی پدیده‌ای خودکار و دائمی نیست و در صورت بی‌توجهی به مطالبات اجتماعی و سیاسی می‌تواند به‌تدریج فرسوده شود. لذا تأکید رهبر انقلاب در پیام هفتم خرداد به مناسبت روز مجلس بر حفظ وحدت ملی را باید هشدارى راهبردی بروز دوران پس از بحران دانست. تجربه نشان داده است هرگاه منافع جناحی بر منافع ملی غلبه کرده، شکاف‌های اجتماعی عمیق‌تر شده و سرمایه اجتماعی آسیب دیده است. از این رو، حفظ انسجام ملی نیازمند فراتررفتن از ملاحظات مقطعی و تبدیل آن به یک سیاست پایدار است.

به رسمیت شناختن تکثر اجتماعی، تقویت مشارکت سیاسی و افزایش اعتماد عمومی می‌تواند این سرمایه ارزشمند را ماندگار کند، در غیر این صورت، خطر تکرار تجربه‌های پرهزینه گذشته همچنان وجود خواهد داشت. از این رو در گفت‌وگویی با علی باقری به واکاوی الزامات حفظ انسجام ملی در شرایط جنگی پرداخته‌ایم تا از منظر دیربکر حزب تازه‌نفس «عهد» اقتضانات فضای سیاسی این روزهای کشور را به‌بوته نقد و تحلیل‌بیریم که در ادامه مشروحش را می‌خوانید.

●●●

❗ رهبر انقلاب در پیام روز جمعه خود به مناسبت سالروز افتتاح مجلس شورای اسلامی، بر مسئله انسجام ملی تأکید ویژه‌ای داشتند. اگر بخواهیم مقایسه‌ای میان شرایط پس از جنگ ۱۲روزه و برخی مقاطع تاریخی مشابه داشته باشیم، عده‌ای معتقدند انسجامی که در آن مقاطع بعد از جنگ شکل گرفت، در ادامه به دلیل بر زمین ماندن برخی مطالبات و بروز برخی رخداد‌های سیاسی و اجتماعی، تضعیف شد که در نهایت به اعتراضات تلخ دی‌ماه رسید و با توجه به تأکید مجدد رهبری جدید بر این موضوع، آیا این نگرانی وجود دارد که برخی دوقطبی‌سازی‌ها و تندروی‌ها بار دیگر به انسجام شکل‌گرفته در جامعه آسیب وارد کند؟

نکته شما درست است و لذا خط‌مشی حفظ انسجام ملی و صیانت از سرمایه اجتماعی‌ای که در ماه‌های اخیر شکل گرفته، در پیام‌ها و مواضع رهبر معظم انقلاب طی این مدت به‌روشنی قابل مشاهده بوده است. افزون بر این، در محافل سیاسی نیز برخی نقل‌قول‌های غیررسمی درباره توصیه‌های ایشان درباره نحوه مدیریت برخی جمعجات و رویدادهای اجتماعی مطرح می‌شد که همگی در راستای حفظ انسجام ملی ارزیابی می‌شد. به نظر من، پیام اخیر ایشان به مناسبت سالروز افتتاح مجلس شورای اسلامی را می‌توان صریح‌ترین و برجسته‌ترین تأکید بر ضرورت حفظ انسجام ملی دانست. شاید بخشی از برجستگی این پیام نیز به این دلیل باشد که برخی اعضای‌ها، افراد و صداهای مؤثر در مجلس، بر اساس رویه‌های گذشته خود، چندان در راستای تقویت انسجام ملی حرکت نکرده‌اند و بعضاً رفتارهای آنان در این مسیر مؤثر نبوده است. از این منظر، پیام اخیر را می‌توان جمع‌بندی و تکمیل‌کننده مجموعه اشارات و تأکیداتی دانست که طی ماه‌های گذشته از سوی رهبر جدید انقلاب مطرح شده و این مسئله نشان می‌دهد حفظ انسجام ملی از سوی بزرگان کشور و ارکان اصلی حکمرانی مورد پاسداری، مراقبت و صیانت قرار دارد و این خود یک نقطه مثبت و امیدبخش است.

❗ پس باید پرسید آیا در ایام جنگ ۴۰روزه و آتش‌بس ۵۴روزه، هیچ خدش‌های به انسجام وارد نشده است؟

برداشت شخصی من این است که اگر این‌س مراقبت

و صیانت وجود نداشت، چه‌بسا انسجام شکل‌گرفته در ماه‌های گذشته با آسیب‌های جدی‌تری مواجه می‌شد.

❗ جناب باقری، بدون تعارف اصلاً فضا‌سازی رادیکال‌ها در این ۹۰روزه جنگ و آتش‌بس، اجازه تنفسی به انسجام داده است؟

هرچند در همین مدت نیز شاهد برخی مواضع و اظهارنظرها بودیم که در حد خود آثار منفی بر فضای انسجام ملی بر جای گذاشت. برخی سخنان مطرح‌شده از تریبون‌های نماز جمعه، بعضی فعالان سیاسی و حتی برخی برنامه‌ها و تریبون‌های رسانه ملی، حامل پیام‌هایی ناهمسو با ضرورت حفظ همبستگی اجتماعی بود. با این حال، به نظر می‌رسد مدیریت کلان و مراقبت‌های صورت‌گرفته در سطوح عالی، مانع از آن شد این پیام‌ها اثرگذاری گسترده‌تری پیدا کنند.

❗ و شما نگران نیستید دور باطل هردرخت سیاسی-اجتماعی بعد از جنگ ۱۲روزه تکرار شود؟

چرا، این نگرانی هست. چون با وجود آنکه کلیت انسجام ملی تاکنون حفظ شده است، اما با توجه به تجربه‌های گذشته و نیز تداوم برخی رویه‌ها و رفتارها از سوی بعضی نهادهای تأثیرگذار، همچنان نگرانی‌هایی در جامعه وجود دارد. به‌ویژه در دوره پس از عبور از شرایط بحرانی جنگ رمضان، این دغدغه مطرح است که ممکن است حساسیت نسبت به ضرورت حفظ انسجام ملی کاهش یابد و زمینه برای بازگشت برخی رفتارهای تفرقه‌آفرین فراهم شود. ولی برای آنکه تنگه مثبتی بر وحدت و انسجام در جامعه نهاده‌نم شود و با تغییر شرایط و حوادث دچار تزلزل نشود، به نظر می‌رسد برخی اصلاحات و تحولات نهادی ضروری است. به عنوان نمونه، رسانه ملی به عنوان نهادی که باید بازتاب‌دهنده صدای ملی و دیدگاه‌های رسمی کشور باشد و در عین حال امکان طرح منصفانه و متوازن دیدگاه‌های مختلف را نیز فراهم کند، نقش بسیار مهمی در این زمینه دارد.

❗ اگر ما چهار تریبون مجلس، انمه جمعه، خیابان و رسانه

نگاهی به اقتضانات فضای سیاسی ایران در گفت‌وگو با علی باقری

وحدت؛ سرمایه‌ای برای بقا یا فرصتی گذرا؟

باقری: صدای تندروها بلند است، اما آنچه در عمل می‌بینم مبتنی بر منطق و واقع‌گرایی است



که صداوسیما هم ذیل آن (رسانه) حساب می‌شود، در نظر بگیریم، به نظر می‌رسد در صدر همه، این صداوسیما بود که اتفاقاً در مدت تعطیلی مجلس به تریبون طیف خاصی از نمایندگان بدل شد و معادلات کف خیابان در راستای اهداف خود را ترویج کرد. اینجاست که باید با دیده تردید به موضوع نگاه کرد که چرا این‌گونه بوده است.

بررسی عملکرد رسانه ملی نشان می‌دهد حتی در شرایطی که اقتضانات جنگی و ضرورت‌های ویژه کشور وجود داشته، همچنان برخی رویکردهای سابق در آن تداوم یافته است. در حوزه انتخاب کارشناسان، نحوه طرح دیدگاه‌ها و فراهم‌کردن فرصت برای بیان نظرات مختلف، تنوع و تکثر است و این تکثر باید به رسمیت شناخته شود اگر این وضعیت را با دوره جنگ ۱۲روزه مقایسه کنیم، می‌توان گفت در برخی موارد این رویکردها پررنگ‌تر نیز شده است. چنین روندی می‌تواند به یکی از کانون‌های آسیب‌زا برای انسجام ملی تبدیل شود.

❗ دقیقاً قیاس‌تان درست است. چون برخلاف جنگ رمضان، حداقل در ایام جنگ ۱۲روزه سعی شد از طیف‌های مختلف سیاسی، تریبون‌هایی در صداوسیما به آنها داده شود و برای حفظ ظاهر هم که شده یک تنوع گفتمانی شکل گیرد. هرچند بعد از جنگ ۱۲روزه همه چیز تغییر کرد و در نهایت به دی‌ماه و جنگ ۴۰روزه رسیدیم.

بله و به همین دلیل رسانه ملی در جنگ اخیر ضعیف‌تر و بسته‌تر از جنگ ۱۲روزه عمل کرد. البته نمونه دیگر، برخی اظهارات و تحلیل‌هایی است که این روزها در دفاع از حفظ انسجام ملی مطرح می‌شود. هرچند این مواضع در ظاهر از وحدت و همبستگی حمایت می‌کنند، اما گاه استدلال‌های مطرح‌شده در آنها این تصور را القا می‌کند که انسجام ملی صرفاً یک ضرورت موقت و ناشی از شرایط جنگی یا تهدیدات خارجی است. به عبارت دیگر، از خلال برخی از این تحلیل‌ها چنین برمی‌آید که با رفع شرایط بحرانی و کاهش تهدیدات خارجی، ممکن است دیگر ضرورتی برای استمرار این سطح از همبستگی ملی احساس نشود و کشور به همان رویه‌های پیشین بازگردد. همین نشانه‌هاست که نگرانی افرادی را افزایش می‌دهد که حفظ سرمایه اجتماعی و انسجام ملی را نه یک ضرورت مقطعی، بلکه یک اصل دائمی برای حفظ قدرت، ثبات و بقای ملی می‌دانند. دغدغهٔ این افراد آن است که پس از عبور از شرایط ویژه، شاهد نوعی بازگشت به گذشته و فاصله‌گرفتن از مسیر هم‌گرایی ملی باشیم.

با این حال، امیدوارم برپمنای پیام اخیر رهبر معظم انقلاب به مجلس شورای اسلامی، حفظ انسجام ملی و آنچه ایشان از آن با عنوان حرکت زیر پرچم ایران اسلامی یاد کردند، به یک راهبرد دائمی و پایدار در نظام حکمرانی کشور تبدیل شود؛ راهبردی که مستقل از شرایط جنگ و صلح، بحران و آرامش، تداوم یابد و پس از فرازونشیب‌های گذشته، به نقطه‌ای از ثبات و تعادل و تسبیم که حفظ انسجام ملی جزئی جدایی‌ناپذیر از سیاست‌های کلان کشور تلقی شود.

❗ مایلیم یک پرسش صریح مطرح‌کنم که رهبری در فراز مهمی از بیانات روز جمعه خود عنوان داشت: «از جمله مصادیق تقوا، رعایت نعمت عظیم وحدت ملی و انسجام است.» با توجه به این تعبیر، آیا می‌توان گفت دوقطبی‌سازی، تندروی یا اعمال فشارهای سیاسی و اجتماعی که به تضعیف انسجام ملی منجر شود، از منظر دینی و سیاسی نوعی «بی‌تقوایی» تلقی می‌شود؟

به نظر می‌رسد مفهوم مخالف این فرمایش رهبری نیز همین چیزی باشد که شما گفتید. یعنی اگر حفظ وحدت ملی و انسجام اجتماعی از مصادیق تقوا شمرده می‌شود، طبعاً رفتارهایی که در راستای تضعیف این انسجام حرکت کنند، در نقطه مقابل آن قرار می‌گیرند. البته نکته‌ای که مایلیم بر آن تأکید کنم، این است که حتی در شرایط جنگی نیز شاهد برخی رفتارها و مواضع واگراپانه بوده‌ایم و همین مسئله این نگرانی را ایجاد می‌کند که در آینده، با کاهش شرایط اضطراری، چنین رویکردهایی از قدرت و گستره بیشتری برخوردار شوند.

❗ البته باید متذکر شد نگاه جاری در این مصاحبه به معنای ترویج تک‌صدایی و حذف پلورالیسم سیاسی، اجتماعی و حزبی نیست.

بله، باید توجه داشت پاسداشت وحدت ملی، همانند همه کشورهای دنیا، هرگز به معنای یکدست‌سازی جامعه یا حاکم‌شدن تک‌صدایی نیست. حوزه وحدت ملی و امر ملی، ناظر به مسائل کلان و بنیادینی است که در آنها، فارغ از اختلاف دیدگاه‌ها و گرایش‌های مختلف، همه نیروها

شرق

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

روزنامه

نیز هم‌زمان به نشانه‌های متفاوتی اشاره کردید و نمونه جنگ ۱۲روزه را نیز مطرح کردید.

بله، واقعیت این است که هر دو دسته نشانه‌های مثبت و منفی و تحولات خوب و بد در فضای سیاسی کشور وجود دارند و من نیز به هر دو اشاره کردم. همان‌گونه که از برخی عملکردهای رسانه ملی یا بعضی تریبون‌های عمومی انتقاد کردم، در مقابل نمونه‌های امیدوارکننده‌ای را نیز مشاهده می‌کنم. در برخی از همین تریبون‌های عمومی در خیابان‌ها می‌بینیم بر ضرورت حفظ وحدت ملی، پاسداشت حضور اقشار و گروه‌های مختلف جامعه با سلاقی و گرایش‌های متنوع و نیز جلوگیری از پژواک صداهای تضعیف‌کننده انسجام ملی تأکید می‌شود. اینها نیز بخشی از واقعیت‌های موجود هستند. از این رو، هم باید امیدوار بود و هم خوش‌بین که جهت‌گیری غالب و اصل در فضای عمومی کشور، متعلق به همین دسته دوم از نشانه‌ها باشد؛ یعنی نشانه‌هایی که در راستای تقویت همبستگی ملی و حفظ سرمایه اجتماعی حرکت می‌کنند. اتفاقاً پیام روز جمعه رهبری، هم امید و هم خوش‌بینی من را تقویت می‌کند.

❗ پس بگذارید دوباره گفته شما را از جهتی دیگر واکاوی کنیم، بعد از جنگ ۱۲روزه، بسیار درباره «تغییر ریل» و «تغییر پارادایم» سخن گفته می‌شد، اما در عمل چنین تحولی رخ نداد، اکنون نیز پس از تحولات اخیر، بسیاری معتقدند کشور بعد از جنگ، لاجرم در دوره تصمیمات بزرگ و تغییر نگاه اساسی قرار خواهد گرفت. یعنی همان ادبیات گذشته بار دیگر تکرار شده است، ولی اگر این بار نیز چنین تغییری اتفاق نیفتد و منافع فردی، جناحی و حزبی بر مصالح ملی غلبه کند، آیا اساساً چیزی از این معادله به سود هیچ‌کس باقی خواهد ماند؟ حتی همان گروه‌هایی که امروز منافع کوتاه‌مدت خود در دنیای دنی می‌کنند نیز در نهایت متضرر خواهند شد. به نظر شما چرا این تغییرات به‌سختی محقق می‌شود؟

من در این زمینه چندان بدبین نیستم. هرچند در موضوعات مرتبط با پایان جنگ، همچنان برخی نگاه‌های تندروانه و افراطی را مشاهده می‌کنیم؛ نگاه‌هایی که شاید از منظر صاحبان آنها خیرخواهانه تلقی شود، اما لزوماً هر خیرخواهی‌ای به حفظ منافع ملی و امور اساسی کشور منتهی نمی‌شود. امروز نیز گاهی از برخی تریبون‌ها، از جمله در رسانه ملی، دیدگاه‌هایی شنیده می‌شود که گویی به دنبال استمرار یک منازعه دائمی و بی‌پایان هستند و افاق خود را در تداوم تقابل تا حذف کامل طرف مقابل تعریف می‌کنند. این نوع نگاه‌ها وجود دارد و نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. اما در مقابل، آنچه در عرصه عمل در حوزه دیپلماسی، مذاکرات و مواضع رسمی کشور مشاهده می‌شود، به نظر من بیش از آنکه متأثر از چنین فضا‌سازی‌هایی باشد، مبتنی بر عقلانیت و واقع‌گرایی است. همین آغاز روند مذاکرات، با وجود مخالفت‌ها و حاشیه‌های فراوانی که پیرامون آن وجود داشت و اتهاماتی که متوجه برخی حامیان این مسیر شد، خود نشانه‌ای از غلبه رویکردی مثبتی بر محاسبه و منطق بود. بر اساس داده‌های

محدودی که تاکنون در اختیار افکار عمومی قرار گرفته است، به نظر می‌رسد همچنان امکان دستیابی به نقطه‌ای قابل اتکا برای حفظ حقوق ملی و تأمین منافع کشور وجود دارد؛ نقطه‌ای که بتواند هم‌زمان زمینه‌ساز شکل‌گیری یک صلح پایدار نیز باشد. این چشم‌انداز، دست‌کم در شرایط فعلی، دور از دسترس از غیرواقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد. به همین دلیل معتقدم اگرچه صداهای تندرو در کشور از پژواک رسانه‌ای بالایی برخوردارند، اما آنچه تاکنون در عرصه عمل مشاهده شده، رفتاری مثبتی بر منطق و واقع‌گرایی و توجه به منافع ملی بوده است. امیدوارم این مسیر همچنان ادامه پیدا کند و ملت ایران بتواند پس از دفاعی که برای حفظ حقوق و منافع خود انجام داده است، در سایه یک صلح پایدار و تأمین منافع ملی، ثمرات این ایستادگی را نیز مشاهده کند.

❗ شما هم از امیدواری سخن گفتید و هم از خوش‌بینی، اجازه به‌هید یک پرسش صریح مطرح‌کنم؛ هرچند شاید چندان مورد پسند شما نباشد. حزب «عهد» معمولاً با رویکردی شناخته می‌شود که از آن با عنوان «روزنه‌گشایی» یاد می‌کنند. آیا این خوش‌بینی و تحلیل به ارائه این‌گونه نیز در واقع برخاسته از همین رویکرد و قرائت روزنه‌گشایانه از سیاست است؟

صراً بله. ما نه‌تنها امیدواریم، بلکه معتقدیم شواهد و تحولات موجود نیز از درستی این رویکرد حکایت دارد. البته روشن است نتایج و دستاوردهای حاصل‌شده صرفاً محصول فعالیت دوستان ما یا حزب ما نیست و ما فقط بخشی از یک جریان فکری و سیاسی گسترده‌تر را تشکیل می‌دهیم. با این حال، ارزیابی ما این است که در دو سال و نیم گذشته، نشانه‌هایی از آثار مثبت این نوع نگاه و سیاست‌ورزی قابل مشاهده بوده است. به عنوان نمونه، فارغ از انتخابات سال ۱۴۰۳ و شکل‌گیری دولت آقای پزشکیان، می‌توان به روند بررسی صلاحیت‌ها در انتخابات شورا‌های اسلامی شهر و روستا در اواخر سال گذشته اشاره کرد؛ موضوعی که در دلیل تحولات و شرایط جنگی کمتر مورد توجه افکار عمومی قرار گرفت. به اعتقاد من، اگر انتخابات پیش‌رو برگزار شود، جامعه در عمل مشاهده خواهد کرد از منظر میزان روداری در تأیید صلاحیت چهره‌های متنوع سیاسی، ممکن است با یکی از متفاوت‌ترین دوره‌های انتخابات شوراها در سال‌های اخیر مواجه باشیم. این فقط یکی از نمونه‌هایی است که می‌توان درباره آن سخن گفت. بنابراین ما نه‌تنها نسبت به ایده روزنه‌گشایی ناامید نیستیم و آن را ناسکام نمی‌دانیم، بلکه همچنان به آن باور داریم و امیدواریم این رویکرد بتواند به‌تدریج فضای سیاست‌ورزی و رقابت سیاسی را در کشور بازرتر و متوازن‌تر کند. البته این امیدواری، آمیدی واقع‌بینانه است و من مبتنی بر خوش‌خیالی یا نادیده‌گرفتن دشواری‌های موجود.

متن کامل را در سایت شرق بخوانید